

ادامه از صفحه ۵

#### آب بهای کشاورزی و امنیت ملی

دیوان سالاری آب همه سدها را سد کشاورزی معرفی کرده؛ درحالی‌که سدها راهزن حقایه کشاورزان بودند. این دیوان سالاری عظیم، بیش از یک سوم منابع مالی کشور در ۶۰ سال گذشته را صرف نابودی هرچه رود، آبخیز و دریاچه کرده و شهرها و صنایع را مصرف‌کننده تنها ۱۰ درصد و کشاورزان را هدردهنده ۹۰درصد آب معرفی می‌کند. همه این ادعا را باور کرده‌ایم؛ چون دسترسی به اطلاعات سدها و درک صحت و سقم آنها بسیار دشوار است؛ اما کارشناس خبره آبخیزداری با این ارقام مخالفاند و آن را ناشی از شناخت نادرست از آبیاری و آب برگشتی و ناآشنایی با شیوه برآورد بیلان حوضه آبخیز میدانند. کشاورزی باید هم در کشورهای کم آب بیش از ۸۰،۶۰درصد منابع آب را برای تولید محصولات راهبردی کشاورزی صرف کند. کلان‌شهرها هستند که باید برای مصارف نامولد و هدررفت‌های بیهوده هزینه بپردازند. نگاهی به بهای آب کلان‌شهرها و مقایسه آن با کشورهای کم با توسعه پایدار آشناترند نشان می‌دهد که در ایران کم‌آب در حقیقت از کلان‌شهرهای مصرف‌زده آب‌بهای دریافت نمی‌شود. سبک زندگی تقلیدی مصرف‌زده، شهرهای ابی ناسازگار با کم‌آبی، کارواش‌ها، شست‌وشوی کوچه با فشار آب آن‌هم در ساختمان‌هایی که سازنده نه خط آسمان گذاشته، نه منطری خوشایند و نه احترامی به زبان و مفاهیم فرهنگی معماری.

##### تبلیغات

لازم است تبلیغات نادرست درباره کشاورزان را از ذهنان بیرون کنیم. آمار انتقال نشان می‌دهد چگونه سدها انتقال‌دهنده حقایه کشاورزان هستند، نه عرضه‌کننده آب کشاورزی. بنا بر اسناد توسعه پایدار جوامع بومی مولد به‌خوبی می‌دانند چه الگوی کشتی‌ای داشته باشند که هم خود و هم شهرها را سیر کنند و چگونه با کمترین تخریب در طبیعت خوراک تولید کنند. آنها با بهره‌برداری و حفاظت توانان طبیعت آشنایند. در دستور ۲۱، سند هماهنگی ریو، بر احیای دانش بومی و توانمندسازی جوامع مولد بومی برای مدیریت دوباره بر منابع طبیعی و تضمین امنیت خوراک تأکید شده است. این سند تصمیم‌گیری از بالا به پایین دیوان سالاری و فن‌سالاران در امور جوامع بومی مولد و کشاورزان را مغایر با امنیت خوراک و حفاظت از زیست‌بوم‌های کوزمین تلقی می‌کند. برنامه‌نویسان متمرکز دولتی و خصوصی، (حتی با نام آمایشگر و...) نمی‌توانند برای جوامع بومی مولد الگوی کشت تعیین کنند؛ چون درک ملموس از بوم‌شناخت مناطق گوناگون ندارند. کشاورزان و عشایر و اقشار مولد بومی که هزاران سال در سرزمین خود با مهندسی نرم و آشتی‌جویانه با طبیعت رفتار کرده و خوراک و دیگر نیازهای مردم را تولید کرده‌اند، بهتر از هر برنامه‌نویس و آمایشگر با سرزمین خود آشنا هستند. دستگاه‌های دولتی لازم است به قدری کوچک شوند که دیگر نتوانند به بنیان‌های تولید ملی و امنیت خوراک آسیب رسانند و محیط‌زیست را نابود کنند.

##### ناکارآمدی دستگاه‌های دیوانی

بی‌توجهی به مفاهیم توسعه پایدار در شیوه عمل دستگاه‌های دیوانی مشهود است؛ چون منطق سود را به خیر بلندمدت جامعه و منافع ملی ترجیح می‌دهند. دستگاه‌های دیوانی غالباً پیوند زنده و معنی‌داری با بوم‌شناخت و ساختار تولید، فرهنگ و دانش جوامع بومی مولد ندارند. دستگاه متولی کشاورزی، تجارت خطرناک بذر ترازیخته با دستکاری ژنتیکی‌شده را تبلیغ می‌کند تا با جایگزینی این بذرها سلطان‌زا و عقیم همواره خریدار بذر نیز باقی بمانیم. دیوان‌سالاری آب خرید آب مجازی را تبلیغ می‌کند تا همواره خریدار محصولات راهبردی باقی بمانیم.

##### جامع‌نگری

دانش جزه‌نگر و بیگانه با جامع‌نگری دیوان‌سالاران، برای منابع طبیعی کشاورزانی تصمیم‌گیری می‌کند که به تأیید یافته‌های باستان‌شناسی، کاشفان کشاورزی‌اند. می‌خواهند برای آبیاری تصمیم‌گیری کنند که بنا بر یافته‌های سیلک، جیرفت، شهر سوخته و خوزستان نخستین کاشفان کشاورزی آبی جهان‌اند. می‌خواهند برای قاتل‌کارانی تصمیم‌گیری کنند که درخشان‌ترین شیوه تأمین و برداشت از منابع زیرزمینی با کمترین تبخیر و هدررفت را ابداع کردند.

##### تغییر سیاست‌گذاری‌های کلان

تفکیک مدیریت آب از وزارت نیرو و واگذاری موقت آن به وزارت کشاورزی (با تغییر در سیاست‌گذاری‌های کلان این دستگاه و سوق دادن آن به جلب مشارکت واقعی کشاورزان و عشایر و کمک به احیای دانش غنی آنان) ضرورت است؛ اما وزارت کشاورزی به‌جای ورود به مباحث خطرناکی مانند خرید بذرها دست‌کاری ژنتیکی‌شده، لازم است به‌سوی کشاورزی ارگانیک سمت‌گیری کند. در بلندمدت لازم است مدیریت آب، خاک و منابع طبیعی به جوامع بومی مولد سپرده شود تا ضمن تولید و حفظ امنیت خوراک از منابع طبیعی نیز محافظت کنند. برنامه‌های دولتی خالی از مبانی پایداری و اقتصاد معیشتی (مخالف اقتصاد سودمحور) است. در برنامه ششم توسعه هم درک ملموس از بوم‌شناخت نقاط گوناگون، از مفاهیم چهارگانه پیچیده بوم‌شناسی، اشراف به مفاهیم توسعه پایدار و از همه مهم‌تر نظریرسی و مشارکت حقیقی جوامع بومی مولد به چشم نمی‌خورد. تغییرات سیاست‌گذاری‌های کلان به‌ویژه در حکمرانی آب، منابع طبیعی و کشاورزی در راستای تقویت جوامع بومی مولد و حفظ امنیت خوراک، ضرورت لحظه و حافظ منافع ملی است.

##### آمار را مخفی می‌کند؟

##### ادامه از صفحه ۵

بانک مرکزی به نظر من بی‌جهت، محتاطانه عمل کرده است. مردم باید بدانند اگر تجدید ساختار صورت نگیرد، رشد اقتصادی منفی خواهد بود. چرا به مردم حقیقت را نمی‌گوییم؟ به همین سبب است که مردم تصور می‌کنند اکنون که تحریم‌ها برداشته شد، باید همه‌چیز روبه‌راه شود. درحالی‌که این‌طور نیست. در این ۳۵سال جهان تغییر کرده است و تغییر این ساختار در کشور ما نیازمند جراحی سختی است، زیرا باید کاری که در طول ۳۵ کشور‌های دیگر انجام دادند را در طول دو تا سه سال به انجام برسانیم. در کشورهایی مانند هند و ترکیه همراه با کاهش تدریجی تعرفه‌ها، مردم کم‌کم عادت کردند. وقتی فضا رقابتی شد، مردم خود را به‌تدریج انطباق دادند و سعی کردند رقابتی عمل کنند.

اگر بخواهیم همان زمانی را که آنها سیری کردند برای تغییرات در کشور در نظر بگیریم، رشد اقتصادی همچنان منفی خواهد بود و فکر می‌کنم اگر به همین روند ادامه دهیم و اصلاحات را شروع نکنیم، رشد اقتصادی سال ۹۵، منفی‌تر از امسال خواهد شد. آن زمان با بی‌کاران بیشتری مواجه خواهیم بود. با درآمد‌های کم چه می‌کنیم؟ یادمان نرود برای یونان چه اتفاقی افتاد. دولت یونان مجبور شد حقوق بازنشستگان را حداقل یک سوم کاهش دهد. اگر نتوانیم ساختار را تغییر دهیم، همین اتفاق در ایران خواهد افتاد.

شما اشاره کردید این اصلاحات را در دو تا سه سال باید انجام دهیم. اما مردم در طولانی‌مدت به این تغییرات عادت می‌کنند. با اجرای این تغییرات در زمان اندک، باید منتظر چه واکنشی از جانب مردم باشیم؟

مردم باید به‌درستی بدانند مشکل اقتصاد چیست. دولت می‌بایست شفاف‌نبودن را کنار بگذارد، این ظلم به مردم است. باورم نمی‌شود در زمان دولت یازدهم بانک مرکزی آمارها را از مردم مخفی کند. از نظر من، مردم بایستی بدانند در مقابل دو گزینه بسیار سخت قرار گرفته‌اند؛ یک، اصلاحات در دو تا سه سال انجام پذیرد و در مقابل سختی‌های آن را تحمل کنند. البته این مسئله نیازمند چند نوع همکاری است. مهم‌ترین آن ابعاد سیاسی است همان‌گونه که درباره توافق با ۵+۱ اتفاق افتاد، در زمینه مشکلات اقتصادی هم باید مجموعه نظام سیاسی پشت دولت باشد. دومین نیاز، آن است که مردم باید به دولت اعتماد کنند و سختی‌ها را بپذیرند. این اعتماد خیلی شکننده است، زیرا به‌طور تاریخی در ۲۰۰ سال گذشته، تقریباً کمتر مردم به دولت اعتماد داشته‌اند. به‌علاوه، دولت باید بسیار مدیرانه این تجدید ساختار را انجام دهد که نیاز به گروه‌های متخصص بسیار مسلط به دنیای امروز دارد. دو گروه باید در کنار یکدیگر قرار گیرند تا چنین اتفاقی رخ دهد؛ کارشناسان خارجی یا ایرانیان تحصیل‌کرده اقتصاد که اکنون در خارج از کشور زندگی می‌کنند و می‌دانند ما از این نقطه باید به کجا برسیم و مجموعه اقتصاددانان داخل کشور که وضعیت اقتصادی داخلی را بسیار خوب می‌فهمند. اینکه چگونه اقتصاددانان داخل کشور به توافق برسند، خود راهی بس طولانی است، اما اقتصاددانان خارج از کشور اغلب با هم هماهنگ هستند. مکانیسمی باید اجرا شود که اقتصاددانان داخل و خارج را در داخل یک سبد به‌صورت هماهنگ قرار دهد. بنابراین دولت می‌بایست بدنه فکری بسیار قوی‌ای داشته باشد. گزینه دوم آن است که

اصلاحات موردنظر طولانی‌تر انجام شود. اما مردم زبان بیشتری خواهند داد. رشد اقتصادی منفی خواهد بود. کارخانه‌ها پیشرفت جدی نخواهند داشت. اگر سرمایه‌گذار خارجی به کشور بیاید، تمایل به حضور در بخش‌هایی مانند صنعت خودروسازی دارد که انحصاری است و امکان رانت در آن وجود دارد یا در جایی سرمایه‌گذاری می‌کند که بتواند در آنها فساد انجام دهد. در غیر این‌صورت، اکنون سرمایه‌گذار عادی به ایران نخواهد آمد. زیرا خود ایرانیان در شرایط کنونی حاضر به سرمایه‌گذاری جدی در کشور نیستند.

سرمایه‌گذار خارجی با چه سازوکاری را رانت و فساد را دنبال خواهد کرد؟

فساد در همه‌جا وجود دارد. در خارج از کشور به واسطه اقتصاد شفاف، امکان فساد بسیار کم است. آنها عادت کرده‌اند مطابق قانون عمل کنند. مجبورند متعهد به قانون باشند وگرنه قانون به‌شدت با آنها برخورد خواهد کرد. اگر کسی در یک کشور غربی برای پرداخت مالیات حق‌هزای کند، به‌شدت با او برخورد خواهد شد. اما در ایران چنین نیست. دولت خود بخش‌هایی را که مالیات نمی‌پردازند نمی‌شناسد و نمی‌تواند کاری کند و شاید امکان مقابله با آنها را ندارد. در نتیجه در ایران، زمینه فساد بسیار زیاد است. در چنین شرایطی تجار خارجی که اهل فساد هستند اما در کشورهای دیگر، امکان آن را ندارند، راه ایران را در پیش خواهند گرفت و از این موقعیت که امکان فساد را بیشتر می‌کند، استفاده می‌کنند. ما اکنون ۲۵ میلیارد دلار قاچاق داریم. طرف‌های ایرانی که دست به این

عمل می‌زنند، یک طرف خارجی هم دارند که با آنها همکاری می‌کند. همان‌ها نیز به کشور سرازیر خواهند شد. بنابراین در اصلاحات اقتصادی باید زمینه قاچاق را از بین ببریم. زمانی زمینه قاچاق از بین می‌رود که قیمت‌های خارج با قیمت‌های داخل کشور تفاوت چندانی نداشته باشد. اگر بنزین در ایران نزدیک به هزار تومان یعنی معادل ۳۰ سنت و در ترکیه دو دلار است، هر فردی باشد جانش را هم می‌گذارد تا از ایران به ترکیه قاچاق بنزین کند. تا دو قیمت متفاوت داریم، فساد هم هست. تا زمانی که قیمت خودروهای ما دو برابر قیمت خودروهای خارجی است، قطعات آنها به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود. مردم چه گناهی کرده‌اند که ۴۰ سال است اتومبیل را دو تا سه‌برابر قیمت می‌خرند؟ چرا مردم باید چنین هزینه‌ای دهند که یک صنعت که حتی جمع اشتغال خود را چند برابر واقعیت می‌گوید، باقی بماند؟ صنعتی که تمام بررسی‌ها نشان می‌دهد صنعتی غیرکارآمد است. اگر صنعت خودروسازی ما که ادعای پیشرفت هم دارد، صداقت دارد امروز که تحریم نیست و با شریک خارجی همراه شده‌اند، با تعرفه پنج تا ۱۰درصدی وارد بازار رقابتی شود. البته لازم است مشکلات فضای کسب‌وکار هم درست شود تا رقابتی‌کردن صنایع تحقق یابد. در این کشور علاوه بر گروه‌هایی که فاسد هستند و قاچاق می‌کنند، گروه‌هایی وجود آمده‌اند که فاسد نیستند اما از رانت استفاده می‌کنند. باندهایی هستند که کمک می‌کنند تعرفه بالا بماند تا سود کنند. زبان آن را مردم خواهند داد، مردم بی‌کار می‌شوند یا درآمدشان کم می‌شود. مردم حق کارکردن و رشدکردن را دارند. با توافق با ۵+۱ این فضا آماده شده است. دولت باید پس از انتخابات، بین این دو شق تصمیم بگیرد. با برنامه‌ای دو ساله تهیه کند و بخش عمده‌ای از این ساختارها را تصحیح و مردم و بخش سیاسی را با خود همراه کند یا روند اصلاحات تدریجی را در پیش گیرد که در آن حالت، در چند سال پیش‌رو، امید چندانی به بهبود نمی‌توان داشت.

وجود فساد در اقتصاد ایران بر همه محرز است. اصلاحات اقتصادی برای زدودن فساد ضروری است، اما در شرایطی که فساد در کشور

زیاده شده، چگونه می‌توان از آن عبور کرد و به اصلاحات رسید. به نظر شما عبور از این فساد ممکن است؟

برنامه‌های کلان در دنیا از بین رفته است. برنامه‌های پنج‌ساله به عقیده من باید کنار گذاشته شود. اصولاً در دنیای امروز هر کاندیدی ریاست‌جمهوری، برنامه‌های اقتصادی خود را در کنار برنامه‌های سیاسی و اجتماعی اعلام می‌کند و اگر پذیرفته‌شد، آن برنامه‌ها را اجرا می‌کند. زمانی هم که دوره‌اش تمام می‌شود، گزارش کار ارائه می‌دهد. در سیستم ایران، در طول یک برنامه، دولت‌ها تغییر می‌کنند. آن هم برنامه‌هایی که اکثراً قابل‌اجرا نیستند، زیرا بسترهای آنان وجود ندارد. من از برنامه‌های پنج‌ساله صحبت نمی‌کنم. پیشنهاد من این است اکنون که دو سال از عمر ریاست‌جمهوری آقای روحانی می‌گذرد، برای این دو سال باقی‌مانده برنامه تهیه شود. وقتی دولت، برنامه خود مبنی بر انتخاب یکی از آن دو شق را تهیه کرد، فعالان اقتصادی کشور تکلیف خود را می‌دانند. در شرایط کنونی فردی که می‌خواهد وارد حوزه کسب‌وکار شود، نمی‌داند چه راهی در پیش گیرد. اگر همین شیوه ادامه یابد، فردی که می‌خواهد وارد اقتصاد شود یا خود می‌گوید در کیش مغازه‌ای بزند و واسطه کالاهای قاچاق از لنج‌ها به کشور شود که در این راه،

### اقتصاد

«بهکیش» درباره تمایل سرمایه‌گذاران خارجی در ایران هشدار داد

## جذابیت رانت و فساد اقتصاد ایران برای خارجی‌ها



عکس: رونوف رستمی/شرق

سود بسیار هم وجود دارد. اما اگر برنامه اصلاحات اقتصادی در پیش گرفته شود، آن فرد هرگز به این سو نخواهد رفت، زیرا می‌داند دچار چالش می‌شود. هنگام بروز اختلاف بین روسیه و ترکیه، بازاری حدود چهار تا پنج‌میلیارد دلاری برای صادرات (میوه و سبزیجات) ایران باز شد. ایران وقتی برای صادرات پیش‌قدم شد، فهمید کالای رقابتی با کشورهای همسایه مانند آذربایجان ندارد.

علاوه بر این، به دلیل عدم عضویت در WTO می‌بایست ۱۵درصد تعرفه بالاتر پرداخت می‌کرد که قیمت فروش کالای ایرانی را به همین میزان افزایش می‌داد. در نتیجه بازار روسیه برای ایران از بین رفت. اکنون فعال اقتصادی نمی‌داند آینده فعالیتش چه می‌شود. بنابراین با برداشته‌شدن تحریم‌ها و با این بی‌برنامگی، همه‌چیز معلق شده است. به همین دلیل دولت بایستی هرچه‌سریع‌تر، برنامه دو سال آتی خود را مشخص کند تا مردم بتوانند خود را با آن انطباق دهند.

شما با شناختی که از دولت در طول این دو سال به‌دست آورده‌اید، این رویکرد را در دولت مشاهده می‌کنید؟

به عقیده من در شرایط فعلی نمی‌توانستیم از نظر اقتصادی، دولتی بهتر از این دولت داشته باشیم، اما عملکرد دولت را در امور اقتصادی از جمله سوبسیدها بسیار محتاطانه می‌بینم. حداقل

دولت باید بگوید در طول دو سال نمی‌توانم این وضعیت را اصلاح کنم و زمان پنج‌ساله می‌خواهم. اگر دولت چنین نکند، سرمایه‌گذاری در کشور صورت نخواهد گرفت. مهم‌ترین زیان، آن است که افرادی که سرمایه دارند، یا سرمایه‌های خود را از کشور خارجی خارج کرده یا در بانک‌ها پس‌انداز می‌کنند تا سود بیشتری به دست آورند. نمی‌توان به سرمایه‌گذاران خرده گرفت. ایراد به سیاست‌گذاری برمی‌گردد که مسیر پیش‌روی سرمایه‌گذاران را روشن نمی‌کنند. البته از برداشته‌شدن تحریم‌ها یک ماه گذشته و نمی‌توان توقع زیادی از دولت داشت، اما هرچه‌دیتر حرکت کنیم کار سخت‌تر خواهد شد.

نگاه برخی از افراد حاضر در دولت، حمایت از بخش‌هایی است که سوبسید یا به تعبیری رانت دریافت می‌کنند. نظر شما در این رابطه چیست؟

امیدوارم نباشد، اما اکنون رانت، تمام ابعاد زندگی فردی و حرفه‌ای ما را دربر گرفته است. خارج‌کردن این رانت از بدنه اقتصاد ایران به معنای گرفتن امتیازها از بسیاری از افراد است و مردم حاضر نیستند، این امتیازها را از دست بدهند مگر اینکه بدانند در مقابل آن، چه چیزی به دست خواهند آورد. یک فرد بارانه‌بگیر با خود می‌گوید در مقابل یارانه‌ای که از او گرفته خواهد شد، دولت چه چیزی به او می‌دهد؟ آیا برای فرزندش امکان کارکردن در دو سال آتی فراهم می‌شود؟ باید این امید وجود داشته باشد. چون مردم به دولت‌ها اعتماد کافی ندارند، معمولاً این بده و بستان را انجام نمی‌دهند و در نتیجه همه‌چیز معلق می‌ماند. اکنون رئیس‌جمهور بعد از توافق هسته‌ای یک سرمایه سیاسی-اجتماعی دارد و مردم پذیرفته‌اند می‌تواند کار مهمی انجام دهد. رئیس‌جمهور باید از این سرمایه سیاسی-اجتماعی در مذاکرات ۵+۱ استفاده کند و برای مردم به‌طور شفاف، لزوم انتخاب یکی از این دو راه را تشریح کند. نمی‌بایست بانک مرکزی آمارهای منفی را مخفی کند. مخفی‌کردن مشکلات موجود، کار را سخت‌تر می‌کند. مردم اگر بدانند اوضاع درحال‌حاضر چگونه است، بیشتر همکاری می‌کنند، زیرا می‌خواهند زندگی بهتری داشته باشند.

به‌رحال به عقیده من، حتما در میان برخی از وزرا ایده‌های رانت‌جویانه رسوب کرده است. زیرا تمام تاروپود اقتصاد ما را رانت گرفته است و نمی‌توان بخشی را میرا از این رانت یافت.

ادامه از صفحه ۵

#### فداکردن کیفیت برای افزایش کمیت

... و این اراضی صدور گواهینامه ارگانیک را داشته‌اند. با این حساب حدود ۱۰۰۸ میلیون هکتار برای کشت ارگانیک باقی مانده است. از کل تولیدکنندگان ارگانیک در جهان حدود نیمی از آنها در هند هستند. در دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ در حدود هزارو ۸۱۱ تن و حدود ۵۴ هزار تن محصول ارگانیک به سراسر جهان صادر شده که ارزش صادرات برابر با ۱۶ میلیون دلار بوده و حدود ۲۵۳ صادرکننده برای صادرات محصولات ارگانیک سازماندهی شده‌اند. مهم‌ترین محصولات که تحت مدیریت کشت ارگانیک هستند، برنج، گندم، حبوبات، دانه روغنی سویا، کتان، ادویه‌جات، میوه و سبزیجات، چای و قهوه و گیاهان دارویی و ... است. همان‌طور که می‌بینید برنامه منسجم و هماهنگ (از تولید تا مصرف) برای دستیابی به توسعه کشت ارگانیک لازم است. در ایران متأسفانه به دلیل فقدان اطلاعات مدون در این زمینه، آمار مستندی وجود ندارد. براساس داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط مؤسسه تحقیقات کشاورزی ارگانیک (FiBL) و فدراسیون بین‌المللی جنبش کشاورزی ارگانیک (IFOAM) و براساس آخرین اطلاعات آماری به روز شده در سال ۲۰۱۳، زمین‌های زیرکشت ارگانیک ایران حدود ۱۲، ۲هزار هکتار گزارش شده است که حدود ۰،۰۳ درصد کل زمین‌های کشاورزی ایران را شامل می‌شود. این در حالی است که در برنامه پنجم توسعه پیش‌بینی شده ۲۵ درصد یعنی معادل چهارمیلیون هکتار از اراضی زراعی و باغی تحت پوشش تولید محصولات ارگانیک قرار گیرند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل بی‌توجهی به کشاورزی ارگانیک در ایران، افزایش جمعیت و تصمیم سیاست‌گذاران به تولید هرچه‌بیشتر برای دستیابی به امنیت غذایی و فداکردن کیفیت برای رسیدن به کمیت است. از سوی دیگر عدم استقبال کشاورزان از تولید محصولات ارگانیک به دلیل نگرانی از کاهش احتمالی عملکرد محصول در واحد سطح و در نتیجه کاهش درآمد است؛ چون به تجربه در سالیان گذشته انتظارات کشاورزان به این‌گونه شکل گرفته که دولت و سیاست‌گذاران حمایتی منطقی و عملی از کشاورز نکرده‌اند و تنها به دنبال افزایش تولید به هر قیمتی هستند. در کنار آن عدم نظارت و استانداردسازی، برندسازی، ضعف آموزش و ترویج و تحقیق نیز مطرح است. به نظر می‌رسد ایران در دستیابی به این هدف، مؤلفه و متغیری کمتر از هندوستان به جز عزم ملی راسخ ندارد.

IEON  
Café



## کافه لئون نارون

کیت‌رینگ و سفارشات بیرون بر  
CATERING & DELIVERY

نیواران - مرکز خرید نارون- طبقه همکف

۲۶۱۰۳۸۱۱

www.leon1960.com  
/LEONSINCE1960